



نقش معارف و متون دینی در هویت‌یابی کودکان

پروانه صفدریان*، لیلا فروزنده

۱- گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، واحد ملارد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مربی پیش دبستانی آموزش و پرورش ناحیه ملارد استان تهران

۲- گروه ریاضی، دانشکده فنی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دبیر ریاضی آموزش و پرورش منطقه دو استان تهران، ایران

*نویسنده مسئول: Parimaah.s@gmail.com

چکیده

هویت، شاکله وجودی انسان است که در طول زندگی مسیر او را تعیین می‌کند و این شاکله وجودی از ابتدای کودکی و با تقلید کودک از رفتار بزرگترها بخصوص والدین و افراد مورد علاقه‌اش شکل می‌گیرد.

دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال‌های کودکی زمینه ساز دوری او از هویت دینی می‌شود. در سیره معصومین (علیهم السلام) شکل‌گیری هویت کودک از ابتدای کودکی با تشویق و بازی و نیز تکرار و تمرین متون و آداب دینی همراه بوده است، بنابر عملکرد این بزرگواران در می‌یابیم کودک باید به طور مستمر و با زبان کودکی که برایش خسته کننده نباشد آداب و اخلاقیات اسلامی را بیاموزد. تقویت هویت دینی کودک نقطه مقابل و راهکار اصلی برای مقابله با بحران هویت کودک در آینده است و این تقویت هویت به صورت شناخت و آگاهی و تبیین اهداف دین به صورت ملموس و کودکانه و نیز با عملکرد درست خود افراد معاشر با کودک صورت می‌پذیرد و ابزار بازی و سرگرمی و قصه‌گویی و... در این راستا به کمک والدین، مربیان و معلمین کودک می‌آید تا بتوانند هویت کودک را به درستی و در جهت دینی و اخلاقی شکل بدهند چرا که در صورت قصور در این امر دیگر در بزرگسالی تغییر هویت غلط تقریباً غیرممکن خواهد بود و هر آنچه کودک در کودکی خود بیاموزد شخصیت و هویت وی را شکل می‌دهد.

بنابر نظریه برخی روان‌شناسان شخصیت اصلی هر فردی تا قبل از سنین مدرسه یعنی حدود شش و هفت سالگی شکل می‌گیرد و پس از آن باید اخلاقیات و آداب درست دینی را در کودک تقویت نمود. باید به کودکان در سنین دبستان تفهیم کرد که خداوند احکام و دستورهای خود را از طریق ائمه معصومین (علیها السلام) روی زمین پیاده می‌کند.

واژگان کلیدی: متون دینی، هویت‌یابی، کودکان

مقدمه

بی شک هویت اولین مقوله ایست که در نهاد و شخصیت هر انسانی باید شکل بگیرد، هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند گفته می‌شود، همه انسان‌ها به هنگام تولد فارغ از اینکه در کجای زمین دنیا آمده‌اند و یا از چه قوم و قبیله‌ای می‌باشند دارای ویژگی‌های یکسان نوع انسانی در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچگونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند بنابراین هویت یک انسان در دوران رشد و تکوین او در جامعه شکل می‌گیرد و کاملاً جامعه‌شناسانه است و به نژاد، رنگ پوست و... مرتبط نمی‌باشند.

یکی از چیزهایی که در طول رشد بشر در هویت و شکل‌گیری شخصیت او تاثیر می‌گذارد عقاید دینی و اخلاقی وی است در این زمینه اسلام بعنوان کاملترین دین نقش اساسی در هویت‌یابی انسان دارد تربیت اسلامی فراهم کردن زمینه‌های رشد و شکوفایی همه استعدادهای انسان در جهت کمالات الهی و انسانی است، و این تربیت هست که از دوران طفولیت هویت یک فرد را می‌سازد و امری دائمی است و یک شبه شکل نمی‌گیرد و محیط تربیت که جامعه است و نیز نقش مربی کودک اعم از معلم یا والدین و روابط فکری و عاطفی آنها با کودک و پذیرش آنها از سوی کودک نقش اساسی در هویت‌یابی و رشد و شکوفایی او دارد. بنابر فرموده پیامبر (صلی علیه و آله)، فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمانده و هفت سال یاور می‌باشد. پس نقش تربیتی انسان در سه دوره در سیره پیامبر (صلی علیه و آله) تبیین شده است و نیز تاکید دیگر ایشان بر اینست که با کودکان باید کودکانه رفتار کرد تا هویت اسلامی و تربیت درست را با زبان خودشان به آنها آموخت.

هویت دینی

هویت دینی از یکسو شامل پایبندی افراد به جوهر دین و ارزش‌های دینی از سوی دیگر بیانگر دلبستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شاعران و مناسک و نهادهای دینی است عبارتی هویت چه از جهت دینی و چه از جهات دیگر (سیاسی و اجتماعی و...) از برابری کنش‌های متقابل فرد و محیط اجتماعی شامل مجموعه تعلقاتی است که هر فرد نسبت به نظام اجتماعی دارد. تعلقاتی نظیر وابستگی به یک گروه سنی، وابستگی به یک طبقه اقتصادی و یا دینی و... (دنی کوش ۱۹۹۸).

هویت قبل از اینکه یک پدیده اجتماعی و وابسته به تشکیل جوامع انسانی باشد یک موضوع وجود شناختی است که به نظریه اسلام درباره انسان در دوران مختلف زندگی مربوط می‌گردد و عبارتی جایگاه هر شخص در شبکه در هم پیچیده یگانه‌ای به نام "نظام هستی" که هویت او را تعیین می‌کند.

در واقع بر اساس برخی آیات قرآن هویت افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای گردن نهادن و سر باز زدن از ولایت حق تعیین می‌گردد عبارتی نوع رابطه ولایی با خداوند مبنای همه تقسیمات اجتماعی و مرزبندی‌های هویتی است.

هویت گرچه جهت دار میباشد ولی تمام شده و معین نیست بلکه تحقق هویت به جریان منحصر به فرد هر شخص بستگی دارد. هویت حاصل تلاش و توفیق یا موهبت یا اکتساب است و فطرت الله بعنوان هویت اولیه در نهاد هر انسانی از ازل و بدو تولد نهاده شده است. انسانی که رفتار و سلوکش ریشه در وحی دارد از هویت دینی برخوردار است عبارتی هویت دینی پس از تحکیم ارتباط آدمی با خداوند متعال و پذیرش حاکمیت الهی در وجود انسان و جامعه پدید می‌آید.

با نگاهی هر چند اجمالی به آیات و روایاتی که در مورد فرزندان و کودکان وارد شده، می‌توان به نگرش عمیق اسلام درباره کودکان و جایگاهشان در اندیشه اسلامی پی برد. کودکان نعمات الهی هستند که می‌توان آنها را هم برخلاف فطرتشان در انجام اعمال ناشایست به خاک ذلت و پستی نشاد و هم میتوان فطرت ذاتیشان را پرورش داد و هویتی دینی و پاک در نهاد آنها ایجاد کرد. با تربیت اسلامی است که کودک هویت پاک خور را می‌یابد و میوه دل و نور چشم و دسته گلی از گلهای بهشتی خواهد بود.

شاخصه‌های هویت دینی

ابتدا شاخصه‌های هویت دینی را به دو مولفه کلی تقسیم می‌کنیم که عبارتند از:

۱- پایبندی نظری و عاطفی به مذهب که خود شامل: با اهمیت تلقی کردن اسلام و اصول و مبانی آن از جمله اعتقاد به خدا، پیامبر خاتم و امامان و اعتقاد به قرآن و دستورات دینی و نیز شامل علاقمندی به اسلام و باور به جایگاه این دین مبین در میان سایر مذاهب است.

۲- پایبندی عملی به اسلام که میتوان ملاک‌های زیر را برای آن بر شمرد:

الف: عضویت و مشارک در گروه‌ها و برنامه‌های مذهبی

ب: پایبندی به باورها و رعایت اصول و احکام اسلامی در عمل و زندگی

ج: تلاش عملی برای فراگیری در مذهب و آشنایی با عالمان دین

راه‌های تقویت هویت دینی در کودکان

حال به بررسی مهم‌ترین راه‌های تقویت هویت دینی در میان کودکان می‌پردازیم:

۱- شناخت و آگاهی: شناخت و آگاهی از هر چیزی باعث درک بهتر آن موضوع می‌شود که خود باعث علاقمندی و یا بی‌علاقگی به آن موضوع است. شناخت و آگاهی تاثیر شگرفی در تقویت هویت دینی دارد. در سنین کودکی تقلید و همانند سازی نقش بسزایی در پذیرش و یادگیری کودک دارد. بنا به فرموده امام سجاد (علیه السلام): حق فرزند بر تو اینست: بر سرپرستی وی مسئولیت دار باشی و با ادب و نیکو رفتار کنی و به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او نسبت به وظایف خودت و او یاریش کنی (تحف العقول، صفحه ۲۶۳).

در سیره اهل بیت (علیهم السلام) آداب و سنت‌هایی یافت می‌شود که به آنها عمل می‌نمودند تا زمینه مساعد تربیت کودک و هویت‌یابی درستی در وی شکل بگیرد برخی از این آداب شامل: ۱- اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد، ۲- نام نیک نهادن، ۳- عقیقه کردن، ۴- محبت به فرزند، ۵- شرکت در بازی کودکان می‌باشد که در این میان اذان گفتن در گوش کودک امری الهی است که در فطرت بشر نهادینه شده و آن پرستش خداوند است که تقویت می‌شود. نام گذاری، برای طفل اهمیت بسیاری دارد زیرا اولین چیزی که در فهم لطیف و حساس کودک راه پیدا می‌کند نام و شهرت اوست و اینکه این نام حامل چه بار فرهنگی و معنایی است، تاثیر شگرفی بر روح و روان او دارد، بدین جهت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) یکی از حقوقی که فرزندان بر عهده پدران دارند نام نیکو و پسندیده می‌شمارد. مهم‌ترین عامل دیگر محبت کردن به کودک که در آموزش و تعیین هویت دینی او نقش بسیار مهم و ویژه ای را ایفا می‌کند و بنا به فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله): کسی که به کودکان رحمت و محبت نکند و به بزرگسال احترام ننماید از ما نیست. بی شک از اساسی‌ترین نیازهای زیستی همچون آب، غذا و... نیاز به محبت است پاسخگویی صحیح به این نیاز کودک اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد. ارضای این نیاز کودک موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس و حتی سلامت جسمی او را تضمین می‌کند در صورت عدم ارضای این موضوع باعث فروپاشی آرامش روحی و روانی، احساس عجز و حقارت و بیماری‌های جسمی و روانی متعدد و انحرافات اجتماعی و ... بسیاری خواهد شد.

سیره عملی و احادیث پیشوایان معصوم علیه السلام نیز نشان دهنده توجه ویژه مکتب اسلام به این اصل مهم است.

در این بین پیامبر اکرم و اهل بیت همیشه اول به کودکان سلام می‌کردند و این جزئی از سنت ایشان بود که باعث احترام و آموزش به کودک می‌شد که بیانگر اینست که کودک هویتی قابل احترام و تکریم دارد و در بزرگسالی خود را ضعیف و حقیر نمی‌شمارد. در جای دیگر آمده است که امام باقر (علیه السلام) درباره کودکانی که در نماز جماعت حاضر می‌شدند فرمودند که آنها را به آخر صف نفرستید بلکه بین بزرگترها جایشان دهید بدین ترتیب کودک می‌آموزد که از عزت نفس برخوردار است.

تاکید دیگر بر اینست که کودکان را با احترام صدا کنید چون کودک می‌آموزد برای افراد در آینده احترام قائل شود و از خشونت اخلاقی وی جلوگیری می‌شود و نیز شرکت نمودن در بازی کودکان نوعی احترام و شخصیت دادن به آنها محسوب می‌شود و می‌توان در بازی‌ها شناخت و آگاهی را نسبت به مسائل دینی و اخلاقی در هویت کودکان نهادینه کرد و امروزه نیز مطرح می‌شود که کودکان نقش‌های مختلفی را در بازی تمرین می‌کنند و از این طریق می‌توان زندگی اجتماعی و اصول دینی و اخلاقی را به آنها یاد داد. از این دست روایات که در سیره اهل بیت بسیار دیده می‌شود باعث آگاهی و شناخت در کودکان می‌گردد.

۲- بیان ارزش‌های دینی: ارزش‌ها و باورها و اعتقادات هستند که عنصر اساسی هر فرهنگی را تشکیل می‌دهد و به نوعی هویت جامعه می‌باشند بنابراین ارزش‌های دینی نیز باید از همان اوایل کودکی در نهاد هر کودک نهادینه شود و هویت یک کودک با آن شکل بگیرد. بیان ارزش‌ها باید با روش کودکانه و با زبان قصه و بازی باشد تا در وجود کودک جای بگیرد و هویت دینی او را به درستی شکل دهد به نقل از مولوی که می‌گوید:

هم زبان کودکان باید گشاد

چون سر و کارت با کودک فتاد

۳- احیای تربیت دینی: امروزه در جهان مدرن بی شک بشر هدف زندگی را گم کرده است و اعتقاد به خالق هستی بسیار کم‌رنگ شده است پس باید در چنین جامعه‌ای که با استفاده از رسانه‌های جمعی که جذابیت بصری برای بشر دارند و کودکان را بسیار بهتر تحت تاثیر قرار می‌دهند تربیت دینی را احیا کرد و با استفاده از انیمیشن‌ها، نقاشی‌ها، اسباب بازی‌ها و... کودکان را در جهت درست راهنمایی نمود و بنا بر فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام): جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهی است هر آنچه در آن افشاندن شود همان را می‌پذیرد (نهج البلاغه نامه ۳۱). پس تربیت کودک بسیار در تعیین هویت او در آینده موثر است و هرآنچه در کودکی بیاموزد از ضمیر او پاک نخواهد شد و جز جدایی ناپذیری از شخصیت و هویت او خواهد بود.

حضرت زهرا (علیها السلام) با عمل به آنچه می‌فرمود فرزندان را با اخلاق و رفتار اسلامی آشنا می‌ساخت. چنانچه امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: مادرم، را دیدم که شب جمعه در محراب خویش به عبادت ایستاده بود و پیوسته در رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده صبح بردمید و از او می‌شنیدم که برای مردان و زنان مومن دعا میکرد و نامشان را بر زبان جاری می‌ساخت ولی برای خویش دعا نمی‌کرد، من به او گفتم: ای مادر! چرا همانگونه که برای دیگران دعا می‌کنی برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: ای پسرکم! نخست باید همسایگان را دریافت آنگاه به خانه پرداخت. حضرت نصیحتی را به فرزندش آموخت که از شب تا به صبح به آن عمل کرده بود و چنین پند و اندرز است که اثر می‌گذارد.

تحکیم و احترام به دیگران یک ارزش بشمار میرود پس برای ایجاد این ارزش در کودکان بایستی بصورت عملی آن را به ایشان آموخت. از سویی دیگر بی‌احترامی آثار منفی و ضد تربیتی بسیاری را متوجه شخصیت کودک می‌کند که تاثیر عواقب سو آن در بزرگسالی نیز ادامه خواهد داشت. امام هادی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: به کسی که نفسش بر وی حقیر شد از شر او در امان مباش (تحف العقول صفحه ۳۶۵).

از اصول مهمی که باید در تربیت کودکان باید به آن توجه وافیه نمود رعایت برابری و مساوات در برخورد با آنها است. در سیره معصومین علیهم السلام این مسئله بصورت شفاف دیده می‌شود و عدم رعایت اصل مساوات در بین فرزندان موجب عاق والدین شدن آنها را فراهم می‌کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: خداوند متعال دوست دارد بین فرزندان به مساوات رفتار کنی حتی در بوسیدن (کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۲۸۵). ما باید روش مساوات در بین کودکان را نیز احیا کنیم که مورد پسند خداوند است و نیز در تربیت دینی کودکان نباید از کارها و آنچه انجام می‌دهند عیب جویی کرد و آنها را سرزنش نمود و اعتماد به نفس آنها را کاهش داد چرا که اشتباهات و کوتاهی کودکان اغلب از سر ناتوانی، جهل و بی‌تجربگی آنهاست در روایتی از حضرت علی (علیه السلام) آمده است که: افراط در سرزنش، آتش لجاجت را بر می‌افروزد (تحف العقول صفحه ۸۰). یکی از روش‌های مهم و موثر در تربیت راستگویی و صداقت در رفتار و گفتار کودکان و پرهیز از هرگونه دروغ و حيله است. کسانیکه تصور می‌کنند کودکان این مسئله را درک نمی‌کنند و وعده‌های دروغین به آنها می‌دهند سخت در اشتباهند چرا که با این عمل بزرگترین مشکل را بوجود آورده اند و آن درک بی‌صداقتی، وفا نکردن به عهد و آموزش دروغ است. بنا به فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) کودکان خود را دوست بدارید و با آنها مهربان باشید وقتی به آنها وعده‌ای می‌دهید حتما وفا کنید زیرا کودکان شما را روزی دهنده خود می‌پندارند (وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۱۲۶). با روش‌های فوق اصول تربیتی و هویت کودکان بدرستی شکل می‌گیرد و تربیت دینی اجرا می‌گردد.

۴- ارائه الگوها: از آنجاییکه انسان تمایل دارد به سوی کمال و سعادت گام بردارد پس در این راه نیاز به الگو و اسوه‌ای کامل دارد تا او را در جهت درست راهنمایی کند و چون کودکان در این دوران بشدت به اطراف خود توجه می‌کنند و از دیگران تقلید می‌نمایند پس شایسته است که والدین و مربیان بهترین روش زندگی را در رفتار و گفتار خود با کودک بکار گیرند. در روایتی آمده است که پیامبر نگاهشان به چند کودک افتاد و فرمودند: وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان! عرض شد: ای پیامبر آیا از دست پدران مشرکشان؟ پیامبر فرمودند: خیر، بلکه از دست پدران مومنان که هیچ یک از واجبات دینی را به آنان نمی‌آموزند و چون فرزندان خودشان بخواهند بیاموزند آنها را باز می‌دارند و در برابر آن به بهره‌ای اندک از دنیا خرسند می‌شوند من با چنین پدرانی بیگانه‌ام و آنان نیز با من بیگانه‌اند بنابراین روایت کودکان باید الگویی درست از والدین خود داشته باشند و والدین موظفند کودک را با واجبات دینی آشنا کنند مخصوصا در دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم و پیامبر فرموده‌اند.

عوامل تضعیف هویت دینی در کودکان

۱- القای ناکارآمدی دین: القای این نکته که دین توانایی حل مشکلات بشر را در این زمان ندارد یکی از موثرترین راه‌ها برای محو هویت دینی است که این القاءات از کودکی شروع می‌شود در جهان امروز با گسترش رسانه‌ها و تولید انواع انبوه انیمیشن‌ها و اسباب بازی‌های جذاب برای کودکان از همان ابتدای مراحل کودکی رسانه‌های غربی در انیمیشن‌ها و برخی از اسباب بازی‌ها در حال نشان دادن این نکته به کودکان هستند که دنیا مهمترین چیز در زندگی بشر است و آموزش‌های دینی و اخلاقی معمولا در این رسانه‌ها بسیار کم‌رنگ است. اشکال عمده این گروه‌ها و دیدگاه‌ها که قلمرو دین را محدود می‌کنند این است که اولاً از منظر خاص و محدودی به دین می‌نگرند و ثانياً تمامی ادیان در منظر اینان و بسیاری از اندیشمندان غربی یکسان تلقی می‌گردد، بنابراین تفکر آیین‌هایی چون بودا، تائو و شینتو نیز دین تلقی می‌شود و در انیمیشن‌های کودکانه تفکرات آنها به نمایش در می‌آید حال آنکه ادیان وحیانی و غیر وحیانی بسیار متفاوتند و چگونه می‌توان ادیانی که از احکام اجتماعی چندانی برخوردار نیستند با دینی که احکام اجتماعی بسیاری دارد مقایسه کرد؟

۲- توسعه فساد: ترویج فساد و فحشا از مهمترین حربه‌ها در تضعیف هویت دینی بویژه در کودکی می‌باشد که شاکله هویت انسان در حال شکل‌گیری و بنیان‌گذاری است برخی از مصادیق فساد عبارتند از:

الف: اشاعه اعتیاد

ب: رواج بد حجابی

ج: ترویج غنا و موسیقی مبتذل و... می باشد.

در این زمینه رسانه های جمعی نظیر ماهواره و اینترنت و شبکه های اجتماعی از عواملی هستند که باعث اشاعه فساد از زمان کودکی و القای فرهنگ غلط خود به کودکان می باشند که باعث ناهمگونی فرهنگی می شود. در ناهمگونی فرهنگی فرد از نظر اجتماعی و فرهنگی خود را در شرایطی میابد که در آن ارزش ها، فرهنگ، آداب و معاشرت خود در معرض تزلزل و دگرگونی است که این تحولات آثار منفی و بدی را بر هویت دینی افراد بخصوص از زمان کودکی می گذارد.

از طرفی برخی افکار ضاله و فرهنگ های مبتذل افکار منحرف خود را که عمدتاً در تعارض و تضاد با هویت دینی است از طریق انواع انیمیشن و اسباب بازی ها در بین کودکان پخش می کنند و باعث تضعیف و در برخی موارد نابودی هویت دینی از ابتدای کودکی می شوند و ما باید به فرموده امام علی (علیه السلام) که فرمودند: به کودکان خود آنچه را پروردگار سودمندشان قرار داده است بیاموزید تا مرجئه (فرقه انحرافی) با اندیشه خویش بر آنان چیره نشوند و نیز حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود: به فرزندان خود هر چه زودتر احادیث بیاموزید که مخالفین ایشان را گمراه نکنند، عمل نمایم.

روش های اثر گذاری بر شکل گیری هویت دینی کودکان

نمی توان از هر روشی برای تربیت کودکان استفاده کرد یکی از نکات مهم در شکل گیری هویت دینی کودکان چگونگی انتقال مفاهیم دینی به آنهاست که در اینجا به برخی اشاره می کنیم:

الف) روش قصه گوئی: شنیدن قصه یکی از کارهای مورد علاقه کودکان است و شنیدن آن برای شنونده مخصوصاً کودکان جذاب است آنها با هیجان به داستان گوش می دهند و اگر به گونه ای جذاب و مناسب گفته شود کودک و نوجوان می کوشند خود را با شخصیت های آن قصه همانند سازی کنند والدین و مربیان می توانند با بیان داستان های مذهبی و دینی زمینه رشد شناختی و هویت یابی کودک را فراهم سازند. یکی از این راهها استفاده از کتاب های داستان است با تکرار این روش کودک میکوشد از شخصیت های مثبت داستان تقلید و خود را به آنها نزدیک کند. در دوران پیش دبستانی و دبستان بجز نقش موثر والدین، مربیان نیز به عنوان مراقبان ثانویه در انتقال مفاهیم اخلاقی و مذهبی به کودکان موثرند. در دوران پیش از دبستان کودک هنوز در دوره پیش عملیاتی است که ذهنش به داستان و تصورات گرایش دارد کودکان در این مرحله جاندار پندارند یعنی فکر می کنند اشیا زنده هستند و جان دارند زیرا هنوز از فطرت حقیقی خود جدا نشده اند و خود را با هستی، یگانه می بینند. بنابراین زبان داستان برای تقویت باورهای دینی اشان موثر است. در این دوره کودکان را باید با زبان داستان، نقاشی و ... مفاهیمی چون صداقت، عدالت، شجاعت، نماز، امر به معروف و نهی از منکر و... آشنا نمود (دکتر باقر غباری بناب، فوق دکترای روان شناسی از دانشگاه ویسکانسن آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران).

در روش قصه گوئی نخستین مرحله آشنا سازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام)، آشنا کردن آنان با نامها و القاب ائمه اطهار است و در مرحله بعدی برشمردن خصوصیات خانوادگی و محل زندگی این بزرگواران برای کودکان است. روش آشنا سازی و معرفی با بیان ویژگی های شخصی و خانوادگی در سیره ائمه اطهار نیز مشاهده شده است. چنانچه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بدین طریق خود را معرفی نمود. فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) با روش بیان فضایل بهتر قابل اجرا است چون تبیین فضایل، معجزات، اخلاق و برجستگی های زندگی اهل بیت برای کودکان به زبان ساده و قابل درک، تاثیر فزاینده ای در میزان علاقمندی و دوستی آنها نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) دارد.

ب) مشاهده مستقیم: دیدن بعضی رویدادها که به آموزه های دینی مربوط می شود در یادگیری کودکان تاثیر فراوانی دارد. آنها با دیدن آن رویدادها بعضی مسائل انتزاعی را بهتر درک می کنند و در موقعیت های مشابه آن را بکار می گیرند در قرآن مجید استفاده از این روش یکی از راه های دستیابی به جهان بینی دینی معرفی شده است (نقش رسانه در تبیین هویت دینی، محمد رضا انوری).

بعنوان مثال بازی کردن یکی از روش های مفیدی است که می توان مشاهده مستقیم را در آن بکار بست. یکی از لوازم اساسی به منظور رشد روحی و جسمی کودکان بازی کردن است. بازی با لوازم گوناگون و متناسب از ابزار بروز خلاقیت و استعداد کودکان است.

در این میان نقش والدین و بزرگترها بسیار مهم و موثر است. به این منظور شرکت والدین در بازی بچه ها و هم بازی شدن با آنها، علاوه بر رفع تنهایی کودکان می تواند بر نشاط و صمیمیت کودک و والدین تاثیر مثبت گذارد و کودک از طریق مشاهده مستقیم رفتار مربی و والدین آموزش های دینی و اخلاقی لازم را ببیند. به همین منظور است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بازی کودکان شرکت می کرد و با آنها هم بازی می شد، رفتار پیامبر با کودکان به گونه ای بود که آنها هیچ محدودیتی در نوع رابطه با ایشان نداشتند. به گونه ای که حسنین (علیه السلام) بر پشت پیامبر سوار می شدند و با ایشان بازی می کردند. سیره خدا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در محبت به

کودکان به حدی بود که علاوه بر همبازی شدن با آنان و نایده گرفتن موقعیت، با فروتنی به بازی با آنان می پرداخت و این در حالی بود که زمان نماز فرا رسیده بود و مردم در انتظار اقامه نماز به امامت ایشان بودند چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می دانستند که ضمیر کودک با نگاه مستقیم و تقلید رابطه‌ی نزدیکی دارد و چنانچه کودک با فردی رابطه عاطفی برقرار کند حرکات و اخلاقیات آن فرد را بهتر نه بیشتر تقلید خواهد کرد و در شکل گیری هویت او نقش بسیار مهمی خواهد داشت. حضرت هرگاه از سفر باز میگشتند به سراغ کودکان می رفتند و به بازی با آنان می پرداختند، ایشان پس از سفر و در راه به کودکان برمی خوردند و به اصحاب خود دستور می دادند تا کودکان را به سوی ایشان ببرند.

ج) روش تمرین و تکرار: تکرار کردن یک گفتار یا کردار سبب می شود که فرد بتواند در موقعیت‌های گوناگون براحتی آن را به یاد بیاورد اگر آموزه‌های دینی فقط یکبار به کودک آموزش داده شود فرصت کافی برای درونی شدن وجود ندارد و برای دستیابی به هدف مورد نظر باید آن را تکرار کرد (نقش رسانه در تبیین هویت دینی، محمد رضا انواری)، به این منظور باید هر آموزشی را برای کودک به طور متناوب تکرار کرد.

معصومین (علیهم السلام) به آموزش قرآن بویژه به کودکان اهمیت می دادند به خاطر اینکه همه آنچه برای هدایت انسان لازم است در قرآن آمده است. با اینکه معصومین به عادت دادن کودکان به قرائت قرآن اهتمام داشتند و این کار را با آنها تمرین و تکرار می کردند اما در این کار سختگیری نمی کردند، همچنین ایشان اهتمام زیادی به آموزش نماز داشتند و بنابر سیره معصومین (علیهم السلام) شروع آموزش نماز به کودکان هفت سالگی است. روش اهل بیت در نماز روش عملی بود یعنی خود آنان به صورت عملی آن را می خواندند تا دیگران و بویژه کودکان شیوه نماز خواندن را بیاموزند.

بخش دیگری از آموزش در سیره اهل بیت (علیهم السلام) آموزش احکام و حدیث و تفسیر قرآن است. آموزش این نکات به کودکان باعث مسلح کردن آنان در برخورد با مکتب‌های انحرافی است. بنابراین پیش از آنکه فکر و ذهن کودک به امور زندگی و سرگرمی‌ها مشغول شود یا افکار اعتقادی دیگری به او برسد باید با تمرین و تکرار متناوب و با زبان کودکانه این امر صورت پذیرد (برگرفته از اینترنت).

د) روش الگویی: با آموزش مسائل نظری و عملی به کودکان هدف خاصی در ذهن آنها ترسیم می شود آنان با فرا گرفتن آموزه‌های دینی به سوی هدف مورد نظر گام برمی دارند ولی نمی توانند به تصویر درستی از شخصیت آرمانیشان برسند. برای جبران این کاستی می توان الگوهای مناسب را در برابر دیدگان آنان ترسیم کرد. با کمک روش الگویی آموزه‌های دینی و چگونگی عمل به آنها را به صورت ملموس تری فرا می گیرند. کودکان باید از الگوهای تقلید کنند که از یک سو برای آنان جذابیت کافی داشته باشند و از سوی دیگر آنان را در مسیر رسیدن به پروردگار و هویت یابی دینی یاری کنند (نقش رسانه در تبیین هویت دینی، محمد رضا انواری).

مهم ترین روشی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) همواره با آن سرو کار داشت روش عملی بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنچه می گفت خود قبلا عمل می کرد و در این مرحله به حدی پیش رفت که اساسا عمل ایشان بعنوان سنت حسنه بشمار می رود پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) الگویی تمام و کامل برای انسان‌ها است و ماباید روش و سیره ایشان را در قالب داستان و انیمیشن‌های جذاب برای کودکان بازگو کنیم. غریزه تقلید یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار انسان است. بخاطر وجود همین غریزه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جملات را از معاشرین فرا می گیرد و بکار می بندد.

یکی از بهترین، موثرترین و پایدارترین مفاهیم آموزشی، اخلاقی، دینی روش الگویی می باشد. وجود الگوها به قدری در اسلام حائز اهمیت است که در قرآن تاکید زیادی بر روی الگوها خصوصا الگوی حسنه شده است. در یادگیری مشاهده‌ای چون یادگیرنده آگاهانه به رفتار خاصی دقت می کند و از نگرش مثبت و انگیزه قوی برخوردار است کمتر احساس فشار ذهنی و خستگی می کند. کودکان نیز بیشتر والدین و افرادی که به آنان علاقمندند را الگوی خویش قرار می دهند و بیشتر از عملکرد آنها تاثیر می پذیرند تا گفتار و نصایح آنان.

انسان در تمام عمر کمابیش از دیگران تقلید می کند اما در سنین بین یک سالگی تا پنج و شش سالگی بیشتر از غریزه تقلید برخوردار است چون کودک تا مدتی از مصالح و مفاصل واقعی امور اطلاع چندانی ندارد و نمی تواند برای کارهای هدف های عاقلانه و درستی تعیین کند. در این مدت تمام توجهش به پدر و مادر و سایر معاشران است، اعمال و حرکات آنان را مشاهده میکند و از آن تقلید می نماید.

کودک در زندگی نیاز به الگو دارد او نیاز دارد که بفهمد که چه باید بکند و چه رفتاری را از خود بروز بدهد کودکان از راه چشم بیش از گوش امور را فرا می گیرند. تحقیقات روان شناسان این مطلب را اثبات کرده است که ۷۵٪ یادگیری‌های ما از طریق چشم، ۱۳٪ از طریق گوش، ۶٪ از طریق لامسه، ۳٪ از طریق چشایی و ۳٪ از طریق بویایی است، بنابراین بر والدین و مربیان است تا حدی که می توانند سعی کنند با عمل خویش آنها را به راه صحیح هدایت نمایند. بنا به فرموده امام صادق (علیه السلام) مردم با را با رفتار خود به حق رهبری کنید نه با زبان خود.

لذا والدین باید بدانند که کودک در تمام اوقات شبانه روز همانند یک دوربین فیلم برداری از تمامی حرکات و اعمال آنان فیلم برداری نموده و رفتارهای خوب و بد آنها را تقلید می‌نمایند، پس بر والدین لازم است که ابتدا خودشان را اصلاح نموده و برای فرزندان خود بهترین الگو باشند و سپس از طریق داستان و قصه و... آنان را با مفاهیم دینی و اخلاقی آشنا کنند و در رشد و شکل گیری درست هویت کودک او را یاری نمایند. بنا به نظر یکی از صاحب‌نظران تربیت دینی اولین و مهمترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین میابد.

در یادگیری مشاهده‌ای ویژگی‌های الگو برای کودکان فوق‌العاده حائز اهمیت است. هر قدر الگوهای بزرگسال برای کودکان مطلوب‌تر، محبوب‌تر و جذاب‌تر باشند، میزان تاثیرپذیری بیشتر و پایدارتر می‌شود. کودکان رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست می‌دارند و مایلند که با آنان همانند سازی کنند و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشته باشند. نماز خواندن کودکان نیز رفتاریست که ابتدا آنرا از طریق مشاهده آموخته و احساس خاصی نسبت به آن پیدا کرده اند (مجله پیام زن، مهر ۱۳۸۰، شماره ۱۱۵).

ه) روش پرسش و پاسخ: مربیان تربیتی می‌توانند با استفاده از روش پرسش و پاسخ کودک را به تفکر درباره مسائل دینی تشویق کنند با طرح پرسش دینی ذهن آنها را برای یافتن پاسخ مناسب به جمع آوری و پردازش اطلاعات و انتخاب بهترین آنها تشویق کنند. این روش به سبب اینکه ذهن آنها را فعال می‌کند تعامل کودک را در پی دارد. در میان احادیث هم گفت و گوهایی میان معصومین و دیگران صورت گرفته است. در مراحل جدید می‌توان به شبهات ذهن کودک و پرسش‌هایی که در ذهن دارد به شکلی که قابل فهم او باشد پاسخ مناسبی ارائه داد و این سخن حضرت علی (علیه السلام) را مد نظر قرار داد که فرمودند کسی که در کودکی خود سوال کرده در بزرگی پاسخ دهد (غررالحکم و دررالکلم).

نتیجه گیری

با تحلیل عوامل مختلف در تضعیف هویت دینی کودکان به این نتیجه می‌رسیم که دور بودن کودک از تربیت صحیح دینی از ابتدای سال- های کودکی زمینه ساز بی هویتی او در بزرگسالی خواهد شد. در راستای تحقق هویت‌یابی درست کودک باید به نکاتی چند دقت نمود:

- ۱- در ابتدای تولد نام نیک که از حقوق فرزند بر عهده والدین است را در کودک نهاد و به او محبت زیادی نمود.
- ۲- عوامل مهم اخلاقی و دینی در عملکرد والدین و مربیان باید نمود عملی داشته باشد چرا که کودک از غریزه تقلید پیروی می‌کند و اخلاق افراد مورد علاقه خود را تقلید می‌کند و در وجودش نهادینه می‌شود.
- ۳- مفاهیم و آداب اخلاقی و اسلامی را باید با زبان کودکان در قالب شعر، داستان، انیمیشن، بازی و... به کودک آموخت تا کاملاً برای او قابل درک باشد زیرا در این سن، بیشتر کودک با استفاده از قوه دیداری خود مطالب را در می‌یابد و عمل می‌کند.
- ۴- با تکرار و تمرین باید مطالب آموخته شده کودک را در وجودش تثبیت کرد و با ارائه الگوی درست از ائمه معصومین (علیها السلام) که در قالب داستان‌های جذاب برای کودک تعریف می‌کنیم او را به دین و اخلاقیات علاقمند کنیم.
- ۵- با پرسش و پاسخ در بین گروه‌های کودکان می‌توان مفاهیم ارزشی و دینی را ارائه نمود و به سوالات آنان با زبانی کودکانه و با محبت پاسخ داد.

منابع

- ۱- تیمیمی آمدی، قاضی ناصح الدین، مترجم: رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۹۲)، غررالحکم و دررالکلم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲- مجلسی، محمد باقرین محمد تقی (۱۱۱۱-۱۰۳۷)، حلیه المتقین، اصفهان: نشر شهید حسین فهمیده.
- ۳- سید شریف رضی، مترجم: فولادوند، محمد مهدی (۱۳۸۱)، نهج البلاغه، تهران: نشر صائب.
- ۴- ابن شعبه، حسن بن علی (قرن چهار قمری)، مترجم: جعفری، بهزاد، تحف العقول، تهران: دارالکتب السلامیه.



۵- انواری، محمدرضا، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، نقش رسانه در تبیین هویت دینی.

۶- علم الهدی، جمیله، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، هویت از منظر قرآن و فلاسفه.

۷- پایگاه اینترنتی کتابخانه احادیث شیعه (www.Hadithlib.com)

۸- پورتال جامع پژوهش تبلیغ (www.RCB.ir)

۹- پایگاه اینترنتی حوزه (www.hawzah.net)

۱۰- پایگاه اینترنتی قدس آنلاین (www.qudsonline.ir)

Archive of SID